



اتاق فکر وفاق تشکیل شود

سیدرضا اکرمی، نماینده ادوار مجلس در گفت‌وگو با ایسنا، گفت: «دولت و شخص رئیس جمهور برای فرآیند کردن وفاق باید اتاق فکر جامعی داشته باشند تا از ظرفیت کارآفرینان، مردم و نخبگان دانشگاهی، اقتصادی و اجتماعی از گرایش‌های سیاسی مختلف بهره ببرند. در این صورت خواهد توانست سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی را از زیر ۱۰ درصد بالا بکشند.» وی ادامه داد: «استانداران باید اجازه تشکیل اتاق فکر مستقل در استان خود و استفاده از ظرفیت‌های انسانی، فناوری و طبیعی برای نهادهای ساز هم‌مدلی و وفاق را پیدا کنند.» وی با اشاره به شعار سالی که گذشت تصریح کرد: «مقام معظم رهبری سال جاری را سال جهش تولید با مشارکت عمومی نامگذاری کردند، مسئولان اجرایی گزارش دهند که برای اجرایی کردن این شعار چقدر از ظرفیت مردم استفاده کردند؟ مگر امکان دارد که نخبگان و کارآفرینان شماری در سراسر کشور وجود داشته باشد و ظرفیت‌های آنان استفاده شود و کشور اینگونه نابسامان باشد؟»



اظهارات عضو دفتر رئیسی درباره پرونده چای دیش

مهدی مجاهد، حقوق‌دان و معاون دفتر ابراهیم رئیسی درباره پرونده چای دیش در یادداشتی نوشت: «در خصوص پرونده چای دیش، آیت‌الله‌رئیس از همان ابتدا بعد از بررسی‌های فراوان و اخذ نظر تخصصی ضابط پرونده (وزارت اطلاعات) و همینطور اطلاعات سپاه و بازرسی ویژه ریاست جمهوری به این نتیجه رسید که وزاری ایشان مرتکب جرم نشده‌اند و حتی عنوان ترک فعل دارای عنوان مجرمانه هم در خصوص ایشان صدق نمی‌کند، با این حال جنجال نکرد، نظارش را علنی و پشت بلندگو نگفت تا برداشت اختلاف بین قوا نشود و روند رسیدگی قضایی تا صدور حکم طی شود.» وی گفت: «گذر زمان و رسیدگی قضایی، صحت نظر شهید رئیسی را در خصوص پاک بودن وزاری دولت کاملاً اثبات کرد. اینکه حتی یک ریال محکومیت چه از حیث رد مال و چه از حیث جبران خسارت در رأی صادره برای آقایان فاضلی امین و ساداتی‌نژاد وجود ندارد، دلیل بر همین مدعاست.» مجاهد تأکید کرد: «اما اینکه فساد از دولت قبل شروع شده و در دولت ایشان ادامه یافته است طبیعتاً کسی نباید دولت را به فساد متهم کند. دولت‌ها زمانی به فساد متهم می‌شوند که مدیران دولتی حامی مفسدین بوده باشند. در خصوص این وزرا هم باید دید آیا مراجع قضایی بالادستی مانند دیوان عالی کشور هم معتقدند وزیری که حتی مجرم رانمی‌شناسد و با او کمترین ارتباطی و توصیه‌ای برایش نداشته‌است، مجرم و مستحق حبس تعزیری است یا نه؟»

ادامه سر مقاله

شاید برخی از چالش‌های پیش‌گفته را نتوان با اراده صاحبان قدرت حل و فصل کرد؛ ولی برخی چالش‌های دیرپا هم هستند که به دلایلی قابل حل سریع نیستند و به زمان نیاز دارند. سخنان آقای پزشکبان در مراسم امضای قرارداد فشارافزایی مخازن گازی نشان داد که با ادامه وضع موجود نمی‌توان به وعده‌های داده‌شده درباره حل مسئله انرژی در آینده نزدیک امید چندانی داشت. انرژی و برق کم بود، سال آینده به احتمال زیاد با مسئله کمبود آب هم مواجه خواهیم شد که ناشی از کاهش بارش‌ها در کشور و تهران است. شیب تند تحولات به‌خودی‌خود گرچه مهم و خطرناک است؛ ولی هنگامی که با فقدان انسجام مدیریتی مواجه می‌شود، خطرات آن دوچندان می‌شود. امیدواریم مسئولان کشور توجه کافی به این وضعیت خطیر بنمایند و از شدت و حدت هرکدام به‌طور جدی بکاهند. همین امروز باید اقدام کنند، چون فردا هم دیر است.

نگاه هم‌میهن



عکس: آرش خاموشی، هم‌میهن

قانون حجاب و بیم رودررویی با مردم

ارزیابی کارشناسان از سخن رئیس جمهوری درباره اجرای قانون عفاف و حجاب

پزشکیان را به آنچه بر آن تأکید داشت، رساند. از همان زمان که موضوع تدوین لایحه «حجاب و عفاف» مطرح شد و پس از آن تغییر و تحولی که با ممارست مجلس یازدهم آن را از ۱۵ ماده لایحه اولیه به ۲۴ ماده قانون فعلی رساند و به شکل امروزی آن درآورد، بحث بر سر این سوال که با توجه به رخدادهای سال‌های اخیر و وضعیت جامعه چه ضرورتی دارد که چنین قانونی در دستور کار قرار گیرد؟ به میان آمد و بسیاری از جامعه‌شناسان و سیاستمداران از تبعات و عواقب اجرای چنین قانونی با اشاره به افزایش ناراضیاتی‌ها در حوزه‌های مختلف، دوستی‌ها و اختلافات در کنار افزایش فشار مالی به مردم سخن گفتند؛ (که در این زمینه با توجه به اینکه هنوز ابزار سرچ در اینترنت در اختیار مردم هست و فیلترکردن‌ها با فشار تدریجی حداقل برای نشان دادن بی‌اختیاری و ناتوانی دولت زیادتیر نشده؛ با کمی بالا و پایین این هشدارها قابل بازیابی و مشاهده است) اما آنچه در همه این مدت تغییری نکرد تلاش و فشار جریان‌ها بود که حتی از اقلیت بودن خود خبر دارند و به دنبال تحمیل نظر خود بر جامعه هستند. جالب آنجاست که پس از انتشار توثیق قائم‌پناه از سخن رئیس جمهوری درباره اجرای این قانون، هم تریبون ائمه‌جمعه در نماز جمعه هفته اخیر به اعتراض و انتقاد از مسئولان برای عدم اجرای این قانون پرداخته است و هم تجمعات اعتراضی بدون مجوز یا همه تأکیدها برای دریافت مجوز، از سوی طیف تندرو برگزار شد. مثلاً سیدمجتبی میردامادی، امام جمعه اصفهان با تأکید بر اینکه «حدود ۲۶۰ نفر از نمایندگان



سیمیه متقی

دبیر گروه سیاست

رئیس جمهوری پزشکبان امروز تأکید کردند. قانون عفاف و حجاب را نمی‌توانم اجرا کنم چون برای مردم مشکل ایجاد می‌کند و من در مقابل مردم نخواهم ایستاد.» جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهوری این متن را با مستند به بند ۹ سیاست کلی نظام در حساب کاربری اش در شبکه اجتماعی ایکس نوشته است. بندی که در آن «قابل اجرا بودن. معطوف بودن به نیازهای واقعی. جلب مشارکت حداکثری مردم.» از موارد آن است. قائم‌پناه این مطلب را چندی پس از آن منتشر کرد که نمایندگان مجلس تندرو دوازدهم که به نظر می‌رسد در پی موفقیت‌شان در حذف عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد با استیضاح و محمد جواد ظریف، معاونت‌راهبردی با فشارها ادامه بحث‌ها که در نهایت به استعفاي او منجر شد، کمر همت بستند تا پزشکبان در پاسخ به مطالبات رای دهندگان به خود و شعارهایش ناکام بماند؛ در حرکتی جدید با جمع‌آوری امضا در طوماری خواهان تحمیل قانونی شدند، که چندی پیش رئیس جمهوری از عدم امکان اجرای آن گفته بود و در نهایت با پذیرش این موقعیت شورای عالی امنیت ملی بر تعلیق آن حکم داد و هم محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس را از بحث‌ها بر سر ابلاغ و عدم ابلاغ آن نجات داد و هم

مجلس طوماری را برای اجرای قانون عفاف و حجاب به امضا رساندند.» گفت: «در این راستا مسئولان باید توجه داشته باشند امروز امت انقلابی انتظار دارد که قوانین اسلامی و قانون حجاب اجرا شود» یا سیدمحمد مهدی حسینی، امام جمعه البرز تأکید کرد: «چه کسی گفته حجاب اجباری؟ مگر می‌شود به حجاب اجبار کرد؟ چیزی که شرع گفته خود افراد باید رعایت کنند. بحث سر جامعه و محیط اجتماعی و روابط اجتماعی است. هر جامعه‌ای برای خود دستوراتی دارد باید مقررات رعایت شود به اسم اینکه قانون نداریم معطل کرده‌اند. قانون قبل را که داریم. بحث حجاب به آن معنایی که دشمنان مطرح می‌کنند نیست.» و سیداحمد خامنی، امام جمعه تهران هم که مثل همیشه با سخنان تند خود حکومت را خطاب قرار داده و گفته است: «برای چندمین بار صراحتاً می‌گویم مسئولان محترم حجاب رکن اصلی دین و نظام اسلامی است. در هفته گذشته دو کنسرت بی‌حجاب برگزار شد، این‌ها می‌خواهند کاری کنند حجاب فراموش شود. تا خون در بدن داریم نخواهیم گذاشت این اتفاق بیفتد. ما فداایی قرآن و دین هستیم. مردم و همه کسانی که صدای مرا می‌شنوند از قوانین دینی حمایت خواهند کرد.» در کنار این سخنان که از پشت تریبون نماز جمعه در مخالفت با تصمیم سران سه قوه و شورای عالی امنیت ملی مطرح شد؛ جمعیتی هم در قم و مشهد به خیابان آمدند و حتی عده‌ای جلوی خانه آیت‌الله جوادی آملی رفتند و از ضرورت همراهی علما و مراجع با خود گفتند. در ویدئویی که از تجمع روی روی خانه آیت‌الله جوادی آملی منتشر شده سخنران این تجمع در جمعی که شاید حدود ۲۰ نفر است، فریاد می‌زند «آمده‌ایم تا اتمام حجت کنیم؛ برخی از علما ما که با یک پشتیبان جبهه انقلاب باشند، سکوت کرده‌اند» و تخصص کنندگان با سر دادن شعارهایی مانند «از سران سه قوه، ملت شده آزاده» به اعتراض علیه عدم ابلاغ قانون حجاب پرداختند. البته پیشتر از این هم در نقاط مختلف تهران از فضای روی روی مجلس گرفته تا تک خیابان‌ها و تجمعات خودروپی شاهد این تلاش‌ها بودیم و هر بار هم با وجود دادن فراخوان و تبلیغات مجازی تجمع کم‌تر اکم حامیان اجرایی این قانون اتفاق افتاد. در روزهای اخیر آنها که به خیابان آمدند، با برگزاری تجمع برای اعتراض به عدم ابلاغ قانون حجاب، به شعار دادن علیه سران سه قوه و مسئولان پرداختند.

حالا برگردیم به سخن رئیس جمهور که گفته است: «در برابر مردم نخواهم ایستاد.» جمله‌ای که طبیعتاً در کشورهایی با حکومت دموکراتیک و آن جامعه‌ای که از جمهوریت می‌گویند؛ انتظاری طبیعی است و بر اساس آنچه که در نظام جمهوری اسلامی هم قرار بر تحقق است؛ چنین موضوعی طبیعتاً از جمله خواسته مردم است، اما چه بر سر کشور ما آمده است؟ که این نگرانی برای رئیس جمهور وجود دارد. بر این اساس در این گزارش نه از سال ۸۸ که به نوعی مواجهه مردم و حکومت موجب دلسردی بخش‌های قابل توجهی از جامعه درباره تحقق خواسته‌هایشان شد، بلکه به حجاب به عنوان یک مقوله اجتماعی که طی همه این سال‌ها به موضوعی سیاسی بدل شده و اختلافات بر سر اجبار یا عدم اجبار آن در اعتراضات ۱۴۰۱ به اوج خود رسید و از آن پس تا به امروز نگاه و زیست متفاوتی در جامعه ایران پس از انقلاب ایجاد کرد، خواهیم پرداخت.

از همان ابتدای انقلاب درباره نوع پوشش زنان در بخشی از حاکمیت و جامعه اختلاف نظر بود؛ چنانچه بارها و بارها به سخنان آیت‌الله سیدمحمد طالقانی درباره پوشش زنان پس از اعتراضاتی که شد، در رسانه‌ها پرداخته‌اند، که ایشان اعلام کردند: «در مورد حجاب، اجباری در کار نیست.» اما در نهایت پس از درگذشت ایشان و در مسیر تثبیت انقلاب حجاب اجباری شد و در ابتدا چون تناسب جمعیت با حجاب مدنظر حاکمیت با جمعیت متفاوت از آن احتمالاً وجود داشته، اعتراضات بعدی شکل نگرفت. در آستانه بر هم خوردن این توازن و تناسب به جای آنکه بر اساس عرف جامعه و همسو با جریان موجود فضاسازی

آن قانون ناعادلانه برانگیزاند، که خود باعث ایجاد هرج‌ومرج می‌شود. فیلسوفانی مانند ژان ژاک روسو قائل به این نظر هستند و تأکید دارند که اگر قوانین بر خلاف اراده عمومی مردم باشند، مشروعیت خود را از دست می‌دهند. وی معتقد است قوانین باید بر اساس قرارداد اجتماعی و با هدف رفاه جمعی تنظیم شوند و به جای آنکه حکومت انرژی و تلاش خود را صرف حفظ یک قانون بد کند، بهترین کار تغییر آن است.

در تکاپوهای این دو ایده، دو مکتب حقوقی نیز وجود دارند که در پاسخ به چیستی قانون به همین شکل پاسخ‌های به‌غایت متفاوت مطرح می‌کنند. یکی از این مکاتب Positivism یا اثبات‌گرایی حقوقی و دیگر Functionalism یا کارکردگرایی حقوقی است. ریشه اصلی فلسفه قانون اثبات‌گرایان در تمایزی است که در قرون وسطی بین احکام طبیعی و الهی و قانون پوزیتوو، وضعی و دنیوی (ius positum) در نظر گرفته می‌شد. بر اساس این مکتب احکام الهی توسط خداوند صادر شده و لازم‌الاجراست و محل بحث نیست. قانون نیز مجموعه دستورات الهی از اوست که توسط شاه، دستگاه حکومت یا قوه مقننه صادر می‌شود. پس از عصر سکولاریزم در حکمرانی اروپا، این نگاه، قانون را منحصر به مراجع زمینی خود دانست و رویکرد الهی را از مجموعه مذکور خارج کرد و بر تعریف خود از قانون تأکید کرد (نظریه پردازان معاصر این رویکرد بر ابزارهای پیش از ایجاد قانون، مثل دموکراسی، انتخابات آزاد و امکان تغییر مسالمت‌آمیز قانون و قانون‌گذاران تأکید دارند اما در تعریف خود از چیستی قانون، همان نگاه را مطرح می‌سازند).

در مقابل طرفداران کارکردگرایی حقوقی (از جمله آگوست کنت) معتقد هستند قاعده‌ای که از طرف حکومت وضع شده است، اگر در عمل متروک بماند و به‌طور واقعی در زندگی اجتماعی اثر نکند، آن را نباید در شمار قانون آورد و برعکس، قواعد ساخته‌شده عرف که در عمل از طرف عموم رعایت

در دوگانه حاکمیت قانون و حکمرانی با قانون:

آیا هر قانونی باید اجرا شود؟

آیا قانون بد بهتر از بی قانونی است؟

پیش از ورود به هر تحلیلی لازم است در خصوص این ضرب‌المثل سیاسی که یکی از مبانی کتاب لویاتان توماس هابز نیز بوده است موضع خود را مشخص کنیم؛ آیا واقعاً قانون بد بهتر از بی قانونی است؟ باید توجه داشت این ضرب‌المثل بیانگر این ایده است که حتی یک قانون ناکامل و ناعادلانه هم می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از هرج‌ومرج ایفا کند و زمینه ایجاد نظم را فراهم سازد. بدون وجود قانون، جامعه به حالت بی‌نظمی کشیده می‌شود و هر فرد بنا به خواسته و توان خود عمل می‌کند و این شرایط زمینه‌ساز خشونت و آشفتگی است. بر این اساس هابز استدلال می‌کند که در حالت طبیعی (یعنی وضعیتی که هیچ قانونی وجود ندارد)، زندگی انسان‌ها «وحشیانه، کوتاه و پر از ترس» خواهد بود. او باور داشت که حتی اگر قوانین کامل نباشند، وجود آنها یک چهارچوب و امنیت اولیه برای جامعه فراهم می‌کند. در مقابل مخالفان این نظریه استدلال می‌کنند که یک قانون بد ممکن است به اندازه یا حتی بیش از بی قانونی مخرب باشد، زیرا قانون ناعادلانه می‌تواند به تداوم ظلم و سرکوب منجر شود. آن‌ها معتقدند که اگر قوانین بنیادین یک جامعه به جای ایجاد نظم، ناعادلانی را قانونی کنند، مردم ممکن است از تغییرات عادلانه و واقعی در سیستم باز بمانند. این وضعیت حتی می‌تواند اعتراضات و شورش‌هایی را علیه



سید محمدرضا متقی

مدرس دانشگاه

و دکتری حقوق عمومی

«قانون حجاب را نمی‌توانم اجرا کنم چون برای مردم مشکل ایجاد می‌کند و من در مقابل مردم نخواهم ایستاد.» صحبتی که از جانب مسعود پزشکبان، رئیس جمهور ایران از سوی جعفر قائم‌پناه مطرح شده و شاید حتی یادآور سخن محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت و رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت در مهر ماه ۱۳۳۰ باشد؛ زمانی که نمایندگان مجلس جلسه استماع گزارش اخراج انگلیسی‌ها از شرکت‌های نفتی را ترک کردند و آن را از نصاب انداختند و دکتر مصدق به خیابان بهارستان رفت و برای مردم حاضر در میدان، زمانی که او را روی دست بلند کرده بودند گزارش خود را قرائت کرد. مطلع سخنرانی آن روزش این بود «هر جا مردم هستند، مجلس همان‌جاست». اما این دو جمله، با وجود ارزشمندی نظری، دارای شبیهی لغزنده در عرصه عمل هستند که اگر بدان دقت نشود می‌تواند وجه‌ای دیگر از خود نمایش دهد و زمینه‌ساز مخاطراتی خانمان برانداز باشد.